

فلسفه ناپدیدار

www.ketab.ir

دکتر کاظم محمدی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: محمّدی، کاظم، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه‌نایدینار / کاظم محمّدی.
مشخصات نشر: کرج: نجم کبری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۸۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۲۱-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه: ص [۳۳۵] - ۳۵۰.
یادداشت: نمایه.
موضوع: اثبات‌گرایی
Positivism: موضوع
موضوع: شناخت (فلسفه)
Knowledge, Theory of: موضوع
موضوع: پدیده‌شناسی
Phenomenology: موضوع
رده‌بندی کنگره: B ۸۳۱
رده‌بندی دیویی: ۱۴۹/۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۷۲۳۱۴



نام کتاب: فلسفه ناپلیمار
نویسنده: دکتر کاظم محمدی
انتشارات: نجم کبری

لیتوگرافی: ناژو

چاپ و صحافی: ناژو

تیراژ: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۲۱-۳

ناشر برتر البرز در سال ۱۳۹۴ و ناشر برتر زنان در نهمین همایش بانوان ناشر در سال ۱۳۹۶

فهرست

۷	مقدمه
۱۹	تمهید
۳۹	تلاقی اسطوره و فلسفه
۱۰۹	بدیهی بودن چیست؟
۱۳۷	پرسش‌های وجودی
۲۰۷	نظریه معرفت
۲۲۵	پدیدار و ناپدیدار
۳۳۵	کتابنامه
۳۵۱	نمایه

پیش چشم داشتی شیشه کبود
 زان سبب عالم کبودت می نمود
 گر نه کوری این کبودی دان ز خویش
 خویش را بدگو، مگو کس را تو بیش^۱

سخن مولانا از مهم ترین و راست ترین سخنان است که می توان با آن به تحلیل دیده ها و رویدادها نشست. او به درستی تشخیص داده که برخی از افراد عینکی کبود بر دیدگان زده اند و جهان را کبود و تاریک و ظلمانی می بینند. ایراد در این انتخاب است، وقتی که فیلسوفی با فلسفه دور از عقل و عقلانیت معقول، جهان را شر می بیند، نظام هستی را «تصادف» قلمداد می کند و برای آن ناظر و خالق نمی یابد، مشکل او از همین عینکی برمی خیزد که او به چشم زده است. مولانا

در کتاب مشنوی که در حکم فلسفه الهی است بارها و بارها از این دید و عینک سخن گفته است و به خوبی بیان داشته که اختلاف آدمیان از «دید» آغاز می شود و اختلاف دید نیز از «نظرگاه» است؛ و لذا این بستگی دارد که شما چه عینکی را به چشم زده باشید و از پشت کدام شیشه به جهان ناظر باشید. صاف و صیقلی و شفاف، یا کدر و مات و کبود. انتخاب با شماست، تبعات انتخاب نیز از برای شماست.

اگر برای آدمی در فلسفه ارسطویی تعریفی مشهور در نظر گرفته شده و او را حیوانی ناطق می داند، و «نطق» را اساس آدمیت قلمداد می کند، در فلسفه الهی مولانا و در عرفان حقیقت بین مولانا هم به فکر و اندیشه اشارت رفته است: «ای برادر تو همین اندیشه ای» و هم از «دید» و شاید این «دید» که نظر کردن مفهومی و معنوی است، بیشتر برای تعریف انسان صادق باشد؛ که بدون دید نطقی نخواهد بود، زیرا سخن ها همه از روی دید و بر مبنا و محوریت دید است، چنان که دید بدون دیده و دیده شده نیز مفهومی نخواهد داشت. لذا آنچه برای انسان مهم است که با آن واسطه می تواند به معنا و معنویت برسد و معرفت و شناخت کسب کند همین «دید» و بینش است، بینشی معنوی.

آدمی دید است و باقی پوست است

دید، آن است آن که دید دوست است^۱

آنجایی که مولانا آدمی را به اندیشه تعریف می کند که: «ای برادر تو همین اندیشه ای / مابقی خود استخوان و ریشه ای». مابقی آدمی را که

جسمی بیش نیست استخوان و ریشه قلمداد می‌کند؛ و در اینجا به جای «آندیشه»، «دید» را می‌نشانند و مابقی مانند پیش است، یعنی با حذف دیده چیزی که باقی می‌ماند پوست آدمی است که حکایت از جسم است. بنابراین انسانیت انسان بسته به دید اوست، این است که هویت و ارزش آدمی را وسعت، ژرفا و نوع جهان‌بینی او را تعیین می‌کند. یعنی آن‌گونه‌ای که آدمی جهان را می‌بیند همان‌گونه نیز زندگی می‌کند و همان‌گونه که زندگی می‌کند تعریف می‌شود. همین دید است که می‌گوید ما با چه کسی طرف حساب هستیم. باید در نظر داشته باشیم که پی‌پی گفته‌ام، ما همه در برابر جهانی یکتا ایستاده‌ایم، دوگانگی ما در این‌باره در دیلمان است. بر این اساس آنچه دیده می‌شود یکتا است ولی بینندگان می‌توانند بشمار بینند. در این بسیاری دید بسیاری به‌خوبی نمی‌بینند، باید دید که دیده تا چه اندازه با دیده‌شده برابری دارد. اینجا است که برخی به توهم می‌گرانند و خیال را در کار می‌کنند و اندک‌اند کسانی که واقعیت را به‌طور واقع می‌بینند و انطباقی ناب بین دیده و دیده‌شده برقرار می‌کنند.

اختلاف افراد از بابت دید و بینش است، که هر کس جهان را و آنچه که در برابر اوست را به‌گونه‌ای می‌بیند. اختلافات ژرفی در این دیدن وجود دارد که مبتنی است بر نوع نگرش و عینکی که هر فرد بر چشمان خود دارد. شفاف یا کدر بودن، بی‌رنگ یا کبود بودن است که نگاه و نظر ما را نشان می‌دهد. شیشه‌های رنگی همه‌چیز را رنگی می‌بیند و شیشه‌های مات و کدر همه‌چیز را ناواضح می‌یابد و شیشه کبود همه‌چیز را تیره و تاریک می‌یابد.